

بررسی حکم سقط جنین از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

دکتر حسین نمازی فر^۱، دکتر منیره پورجوادی^۲، فتح الله قربانی^{۳*}

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.
۲. استاد گروه زنان، مرکز تحقیقات سلامت زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۸/۴

خلاصه

یکی از مسائلی که فرا روی اخلاق و پزشکی است، مسئله سقط جنین می باشد. با توجه به این که جنین از زمان پیدایش تا تکامل نهایی خود دو مرحله را طی می کند که در مرحله اول فاقد روح است و در مرحله دوم دارای روح می شود، گروهی از فقها با استناد به دلایلی معتقدند سقط نمودن جنینی که دارای روح است از نظر اخلاقی به هیچ وجه جایز نیست. اما از نظر عقلی و از دیدگاه علم پزشکی، سقط کردن جنینی که تولدش منجر به مرگ مادر و پدید آمدن عوارض شدید جسمانی برای او شود به طوری که ادامه زندگی سخت و مشکل شود و همچنین جنینی که به انواع و اقسام ناهنجاری ها مبتلا است و اگر به دنیا بیاید فقط زندگی حیوانی خواهد داشت و فاقد هر گونه شعور و ادراک خواهد بود و صرف هزینه های گزاف برای او نیز بی فایده باشد، جایز است. در کشاکش بین اخلاق و ضرر و زیان های حاصله متعدد، تکلیف چیست؟ آیا سقط جنین در هر شرایطی خلاف اخلاق است و مشمول حکم حرمت است؟ اصولاً چه نوع سقطی خلاف اخلاق است؟ در تعارض میان زندگی مادر و زندگی جنین، تکلیف چیست؟ آیا سقط جنینی که با تجویز پزشک انجام گرفته قتل محسوب می شود؟ در این مقاله علاوه بر پاسخ مستدل به این سؤالات، به اثبات رسانده ایم که سقط جنین در هر مرحله از حیات جنین بطور مطلق حرام نیست، بلکه در شرایطی ضروری و حتی واجب می شود.

کلمات کلیدی: اخلاق، جواز، حرمت، دیه، روح، سقط جنین

* نویسنده مسئول مکاتبات: فتح الله قربانی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. تلفن: ۰۹۱۸۹۲۲۹۱۸۵
پست الکترونیک: Fathollah.Ghorbani@yahoo.com

ماهیت سقط جنین

از جمله مسائلی که تاریخچه ای تقریباً طولانی دارد مسئله سقط جنین می باشد که در زمان ها، مکان ها و شرایط مختلف با آن برخوردهای متفاوتی شده است. در مواقعی به طور مطلق مورد نکوهش شمرده شده و در شرایطی دیگر مطلقاً مشروع قلمداد شده است. این امر در حکومت های باستانی به طور مطلق ممنوع بوده است. برای مثال در شهری به نام میله، زنی که از وارث شوهر در ازای سقط جنین پول دریافت کرده بود به اعدام محکوم شد. در ادامه آمده است که این مجازات بر اساس عدالت بوده زیرا این زن مبادرت به عملی نموده که موجب ناامیدی پدر و موجب قتل وارث خانواده شده است (۱). همچنین در این رابطه در اوستا آمده است: "هیچ زنی از نظر من اجازه سقط جنین ندارد" (۲). در جوامع توسعه یافته کنونی، هر اندازه که رشد و توسعه با سرعت پیش رفته است به همان اندازه از معنویات و اخلاق نیز به سرعت کاسته شده و اصول اخلاقی و انسانی نادیده گرفته شده است. آنچه در این جوامع از رشد و توسعه متعالی تلقی شده، دفاع از حقوق بشر و آزادی بود اما دفاع از حقوق بشر و آزادی بیشتر در روابط جنسی بدون مرز خلاصه و به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر تلقی شد. اما دیری نپایید که روابط جنسی بی حد و مرز در این جوامع یکی از مهمترین مصداق های اخلاق و حقوق بشر را زیر پا گذاشت. زیرا آزادی بی حد و حصر میل جنسی منجر به بارداری های ناخواسته شد و چون بارداری زن به عنوان مانعی اصلی در برابر این آزادی فرض می شد، بنابراین سقط جنین در این جوامع به شدت گسترش یافت. برای مثال، طبق قانون پارلمان انگلیس، بارداری های ناخواسته زیر ۱۴ هفته مجاز به ختم بارداری هستند (۳) و جوامعی که مدعی دفاع از حقوق بشر بودند به نابودی موجودی پرداختند که حتی کوچکترین دفاعی از خود نمی توانست داشته باشد (۴). با رواج بیش از حد سقط جنین در این جوامع، دولت ها به شدت با این مسئله مخالفت نمودند و آن را به طور مطلق ممنوع اعلام کردند (۵). به این دلیل بود که دانش پزشکی در مقابل مشکلی بزرگ

قرار گرفت. زیرا باید از سقط جنین در مادری خودداری می کرد که نیاز مبرم و حیاتی به این مسئله داشت (۱). در فقه اسلامی، جنین موجودی محترم به حساب می آید، بنابراین اگر سقط جنین ضروری نباشد به استناد به ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) انجام آن نامشروع می باشد. همچنین سقط غیر ضروری جنین غیر اخلاقی تلقی می شود و کسی که آن را انجام می دهد، قاتل به شمار می رود (۶، ۷). از این فراتر، در اسلام حتی برای اسپرم مرد نیز حرمت قائل است و بر این عقیده است که اسپرم بالفعل قابلیت دارد به انسانی تبدیل شود و لذا تلف کننده اسپرم مرد محکوم به پرداخت ارش (مابه التفاوت) می شود (۸). همچنین از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی در صورتی که سقط جنین به انگیزه هایی چون جلوگیری از بیماری مادر، رهایی از حمل نامشروع، حفظ سلامت مادر، محافظت و جلوگیری از شکستگی اندام مادر، جلوگیری از بیماریهای وراثتی و مسائل عرضی و ناموسی در تجاوز به عنف، جایز و حتی واجب است. بنابراین نمی توان گفت سقط جنین بطور مطلق حرام است (۴).

تعریف سقط

سقط یعنی از دست رفتن زودرس حاملگی و هر دو اصطلاح سقط خودبخودی^۱ یا عدم موفقیت در حاملگی^۲ عمدتاً به معنی از دست رفتن حاملگی قبل از هفته ۲۰ بارداری است.

(۱) دوره پیش رویانی: ۵ هفته اول حاملگی از روز اول آخرین دوره قاعدگی

(۲) دوره رویانی: از هفته ۶ تا ۹ بارداری

(۳) دوره جنینی: از هفته ۱۰ تا هنگام وضع حمل (۹)

انواع سقط

۱. سقط کامل

۲. سقط ناقص و غیر قابل اجتناب

۳. سقط فراموش شده

۴. سقط عفونی

۵. سقط راجعه

¹ Spontaneous Abortion

² Miscarriage

۶. سقط القاء شده (سقط جنایی) (۹).

از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی جنین به طور کلی دو مرحله دارد:

الف: مرحله قبل از دمیده شدن روح: جسمی که پس از لقاح تخمک و اسپرم بوجود می آید تا چهل روز نطفه است. بعد از این چهل روز تا چهل روز دیگر علقه است و سپس تا چهل روز دیگر مضغه است. سپس در مرحله چهارم استخوان جنین تشکیل می یابد و سپس به مرحله ای می رسد که از لحاظ فیزیکی کامل است اما هنوز روح در او دمیده نشده است (۱۴-۱۰). امام خمینی در این مورد می گوید: "در صورتی که جنین در مرحله نطفه سقط شود دیه اش ۲۰ دینار است. اگر در مرحله علقه (خون بسته شده) باشد دیه اش چهل مثقال طلا است و اگر مضغه (پاره گوشت) باشد شصت مثقال طلا و اگر استخوان شده باشد هشتاد مثقال طلا و اگر روح در وی دمیده شده باشد ۱۰۰ مثقال طلا دیه دارد" (۱۵).

تعدادی از فقها حنبلی، شافعی و حنفی این عقیده را دارند که سقط نمودن در مرحله نطفه و علقه جایز است و معتقدند که جنین قبل از چهار ماهگی حیاتی مانند حیات جمادات دارد لذا سقط نمودن آن قتل نفس محترم به شمار نمی رود و حتی نیازی به غسل دادن و کفن کردن ندارد (۱۱). به نظر می رسد این گروه از فقها بر این عقیده باشند که جنین قبل از چهار ماهگی انسان به شمار نمی رود (۱۶). اما تعدادی از فقها مالکیه و معاصر اهل سنت، معتقدند جنینی که در این مرحله از حیات قرار گرفته است انسان به شمار می رود، همچنین اظهار داشته اند: نابود کردن وی ممنوع و حرام است (۱۷، ۱۸).

ب: مرحله پس از دمیده شدن روح: در این مرحله جنین حقوقی مانند انسان کامل دارد. لذا اگر پدر یا مادر و یا غیر این دو جنین را سقط نمایند، اگر جنین پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه به وی تعلق می گیرد (۱۹).

دیدگاه های مشهور در مورد حکم سقط جنین

الف: حرمت مطلق سقط جنین در هر مرحله از حیات جنین

اکثر فقهای شیعه (۶، ۷، ۲۰-۲۳) با استناد به دلایل ذیل معتقدند که سقط جنین به طور مطلق حرام است:

۱- آیات قرآن

آیه مبارکه: "و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و أعدله عذاباً عظیماً" (نساء، ۹۳): هر کس انسان مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند، سزای او جهنم است و آنجا همیشه خواهد بود و خشم و لعنت خدا بر او باد و خداوند برای او عذاب بزرگی را فراهم کرده است. همچنین آیه "و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق": به کشتن نفس محترمی که خداوند کشتن او را حرام نموده است مبادرت نورزید. این آیات به طور صریح بر حرمت قتل نفس محترم تأکید دارند و به علت اینکه سقط نمودن جنینی که روح در او دمیده شده است به مثابه قتل نفس یک انسان محترم است. لذا سقط جنین مطلقاً نامشروع و قتل به شمار می رود (۲۲، ۲۴).

۲- روایات

رفاعه می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: کنیزی خریده ام. گاهی حیض او به خاطر خرابی خون یا باد در رحم بند می آید. دوایی به این منظور می آشامد که در همان روز حیض می بیند. امام فرمود: چنین نکن (و دوا به او نده). گفتم تنها یک ماه حیض او به تأخیر افتد که اگر به علت حمل هم باشد هنوز در مرحله نطفه است (نه جنین کامل به عقیده او). همانند نطفه مردی که به وسیله عزل و کنار کشیدن خود در موقع آمیزش آن را به هدر می دهد. امام به من فرمود: وقتی نطفه در رحم قرار گیرد به سوی علقه و سپس به سوی مضغه می رود و سپس به اذن خدا مراتب جنینی خود را طی می کند و اگر در خارج رحم بیفتد چیزی از او خلق نمی شود. به آن زن اگر یک ماه حیض او بند بیاید و از وقت حیض او بگذرد، دوا نده (۲۵).

ابی عبیده می گوید: از امام صادق (ع) در مورد زن بارداری پرسیدم که دارو می نوشد تا جنینش را سقط نماید در حالی که شوهرش از این قضیه مطلع نیست و جنین سقط می شود. امام فرمود: در صورتی که جنین دارای استخوان است و گوشت بر تن وی روییده است (یعنی خلقت وی کامل شده) باید به شوهرش دیه کامل

جنین سقط شده را پرداخت نماید. اما اگر جنین در حین سقط در مرحله علقه و مضغه بوده به ترتیب باید ۴۰ و ۶۰ دینار به شوهرش پرداخت کند. سپس به امام (ع) گفتیم: آیا از این دیه به زن ارث می رسد؟ امام فرمود: خیر، زیرا زن به واسطه این که جنین را کشته است، قاتل است و قتل مانع ارث بردن می شود (۲۷-۲۵). با استناد به این روایات، فقهای امامیه معتقدند: مادری که به سقط مبادرت ورزیده از ارث بردن دیه فرزندش محروم است (۲۸).

همچنین سقط نمودن جنین در هر مرحله ای که باشد از لحاظ اخلاقی و به دلیل پدید آوردن عوارض و لطمات بی شماری برای مادر محکوم به حرمت است (۴، ۲۹). در نتیجه استدلال به این روایات مشهور، فقهای امامیه بر این عقیده اند که هیچ یک از زوجین و یا غیر آن دو مجاز به سقط جنین در هر مرحله از حیات جنین نیستند (۳۰).

تعدادی از فقهای حنفیه و مالکیه بر این عقیده اند که خارج نمودن اسپرم مستقر شده در رحم زن اگر چه قبل از چهل روز باشد جایز نمی باشد. پس بی شک باید سقط جنین در هر مرحله از حیات جنین حرام باشد (۱۰).

۳- وجوب دیه:

استدلال کنندگان به این دلیل معتقدند به علت این که سقط نمودن جنین در هر مرحله ای مشمول دیه می شود، لذا پرداخت دیه دلالت بر حرمت سقط جنین حتی قبل از دمیده شدن روح دارد (۲۲، ۳۱).

لذا مواردی که دیه را بر تمام مراحل جنینی از آغاز استقرار نطفه در رحم واجب می کند دلالت بر وقوع قتل می کند. اولاً معنای لغوی دیه بنا به شهادت دانشمندان و ادیبان لغت شناس در مقابل قتل است. از آن جمله زبیدی در تاج العروس چنین می گوید: "دیه حق کشته شده می باشد" (۳۲). همچنین ابن منظور در لسان العرب (۳۳) گفته است: "دیه مقتول را که حق او است پرداخت و من دیه او را دادم". بنابراین صحیح است که وجوب پرداخت دیه جنین پیش از تعیین هویت کامل از باب قتل نفس به شمار نمی رود. اما چنان که از روایات معتبر نقل شد، سقط جنین در واقع قتل موجود زنده ای است که در گذرگاه حیات انسانی در حال حرکت است و

این توانایی را دارد که به انسان کاملی تبدیل شود و این از با اهمیت ترین دلایل احترام و حیثیت جان آدمی است (۳۴).

۴- سقط جنین در واقع جنایت بر جنین است:

محقق حلی سقط جنین را نوعی جنایت ناروا بر جنین طلقی می کند و در این باره می گوید: "اگر کسی باعث شود که نطفه قرار گرفته در رحم زن از بین برود یا موجب اتلاف آن گردد، محکوم به پرداخت ۲۰ دینار دیه می شود" ایشان همچنین می افزاید: "پس جنایتکار به آن (جنین) جنایت نموده و حق حیات را از وی سلب نموده است" (۱۹). شماری از فقهای اهل سنت نیز بر این عقیده اند که اگر یک بارداری مشروع توسط سقط جنین از بین برود بر جنین جنایتی تحمیل شده است. درجه این جنایت به نسبت رشد جنین متفاوت است. یعنی در صورتی که جنین در مرحله نطفه از بین رود جنایتی خفیف تر دارد نسبت به زمانی که جنین به مرحله علقه و مضغه می رسد و اگر خلقت جنین تکمیل شود (روح در او دمیده شده باشد) جنایت بر او مانند جنایت بر انسان زنده است (۱۳، ۱۷، ۳۵). بنابراین مادر نمی تواند به علت بیماری که دارد جنین خود را سقط نماید و اگر پزشک در این مسئله دخالت کند، پزشک نیز مسئول است (۱۱).

۵- مقدم بودن حیات جنین بر اجرای حد و قصاص:

در فقه اسلامی مشهور است اگر زن بارداری مرتکب جرمی شود که مجازات آن حد و سنگسار باشد، قاضی اسلامی صبر می کند تا مادر زایمان نماید و سپس حد را اجرا می نماید (۳۶). البته این فتوا از روایتی که در زیر اشاره می شود استنباط شده است:

روایت شیخ مفید از امام علی (ع) که فرمودند: زن باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. عمر حکم سنگسار نمودن زن را صادر کرد. حضرت علی (ع) به عمر فرمودند: اگر سلطه و اختیاری بر زن به واسطه زناکار بودن او داری، چه اختیاری نسبت به فرزند داخل رحم او داری؟ خداوند می فرماید: هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. عمر گفت: در مشکلی که پیش آید و ابوالحسن آنجا حاضر نباشد زنده نباشم و ادامه داد: ای ابوالحسن با او چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: از او نگهداری کن تا

زایمان نماید و زمانی که فرزند را به دنیا آورد و کسی برای سرپرستی طفل پیدا شد، حد را بر او جاری کن (۲۶، ۳۷). این در حالی است که در باب حد و قصاص بر لزوم انجام سریع حد و قصاص تأکید شده است و این خود گواهی بر محترم بودن جنین و رعایت حق حیات وی است (۳۶).

۶- دیدگاه علم پزشکی:

شهادت متخصصان تشریح و پزشکان به خطرناک بودن بارداری برای مادر می تواند حرمت سقط جنینی که خودسرانه انجام می گیرد را مهم تر جلوه دهد. پزشکان و متخصصان مربوطه دیگر به نظرات مختلفی در یک معنی اتفاق نظر دارند و آن عبارت از تغییرات ایجاد شده در زن از هنگام بارداری شدن است. این تغییر در تمام اعضاء بدن مشاهده می شود. لذا در حقیقت سقط جنین اختلال ایجاد کردن در وضع جسمانی زن است که به دلیل بارداری به وجود آمده و باعث بروز ضررهای جسمانی می شود. این مطلب از نظر روان پزشکان صاحب نظر هم می تواند مورد تأیید باشد، زیرا زن نطفه وارده در رحم را تا زمان زایمان مانند جزئی از شخصیت خود می داند و گفته می شود: "زن در دوران بارداری با دو شخصیت که یکی تحت تأثیر دیگری است (شخصیت جنین تحت تأثیر شخصیت مادر) زندگی می کند". (۳۴).

ب: تفاوت در حکم سقط نمودن جنین فاقد روح و

واجد روح

- حرمت مطلق سقط جنین دارای روح و مشروعیت سقط جنین فاقد روح:

حامیان این نظریه با استناد به آیات و روایات زیر معتقدند که جنین تا زمانی که روح در او دمیده نشده است، انسان به حساب نمی آید. بنابراین سقط نمودن این جنین قتل نفس به شمار نمی رود. در این دیدگاه، سقط جنین زمانی قتل به شمار می رود که جنین واجد روح شود (۲۲، ۳۱).

الف: آیات قرآنی:

"إِذَا سُوِّتَهِ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ!" هنگامی که کار آن را به پایان رسانیدم و در او از روح خود دمیدم همگی برای او سجده کنید (حجر، ۲۹). همچنین آیه "الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ

خلق الانسان من طين ثم جعله نسله من سلاله من ماء مهين ثم سواه و نفخ فيه من روحه: "او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آغاز آفرینش انسان را از گل قرار داد. سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر خلق کرد. سپس اندام او را موزون ساخت و از روح خویش در او دمید (سجده، ۸۰۷) و آیه "و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ثم خلقناه النطفه علقه و خلقناه العلقه مضغه فخلقناه المضغه عظاماً: "ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم سپس آن را نطفه ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوان هایی در آوردیم (مؤمنون، ۱۲). طرفداران این نظریه معتقدند که در این آیات، جنین فاقد روح، انسان به شمار نرفته و با تعبیر دیگری مورد خطاب قرار گرفته است (۲۲، ۳۰). همچنین حامیان این نظریه معتقدند: از آیاتی چون "من يقتل مؤمناً فجزاؤه جهنم: "هر کس به کشتن مؤمنی مبادرت ورزد پاداش وی دوزخ است. (نساء، ۹۳) "و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق" (اسراء، ۳۳): جز به حق نکشید نفسی را که خداوند حرام نموده است. حرمت مطلق سقط جنین استدلال می شود و فقط بر جنینی که دارای روح است صدق می کند (۲۲، ۳۱).

ب: روایات:

در بعضی از روایات به این نکته اشاره شده است که کشتن جنینی که هنوز خلقتش تکمیل نشده است و در مرحله علقه و مضغه است، قتل نفس محترم به شمار نمی رود. در روایتی آمده است که محمد بن یعقوب می گوید: "از علی بن حسین (ع) در مورد مردی که به زن حامله ای لگد زده و باعث شده تا جنین زن سقط شود پرسیده شد. امام فرمود: اگر جنین در حالت مضغه باشد، ضارب باید شصت دینار بپردازد. پرسید: مضغه چیست؟ امام فرمود: آن است که اگر در رحم جای گیرد، صد و بیست روز در آن طی شده است، اما اگر زمانی جنین را بیندازد که زنده است و دارای استخوان و گوشت شده و اندام هایش رشد یافته و روح نیز در او دمیده شده باشد، دیه کامل بر ضارب واجب می گردد" (۲۶). در این

مسئله شهید ثانی و صاحب جواهر مدعی وحدت و اتفاق نظر میان فقهای شیعه شده اند (۲۸، ۳۸). اما روایت فوق توسط روایت زیر نقض می شود زیرا در این روایت، جنین از زمان استقرار نطفه محترم و دارای حق حیات است و حتی لفظ انسان بر او صادق است. اسحاق بن عمار می گوید: "به امام صادق (ع) عرض کردم زن از باردار شدن می ترسد، دوایی می نوشد و آن چه را که در شکمش دارد بیرون می اندازد. حکمش چیست؟ امام فرمودند: این کار جایز نیست. عمار می گوید: عرض کردم آن چه که زن از شکمش بیرون می اندازد نطفه است. امام فرمود: آغاز خلقت انسانی نطفه است" (۲۶). این روایت با صراحت کامل هم آغاز موجودیت انسانی را توضیح می دهد و هم حکم قطعی آن را بیان می کند. فقهای حنفیه و حنبلیه بر این عقیده اند که سقط نمودن جنینی که هنوز به مرحله مضغه نرسیده است جایز است (۱۱). اما تعدادی از فقهای شافعیه و مالکیه معتقدند که سقط نمودن جنینی که در مراحل پایین تر از مضغه و علقه باشد جایز نیست (۱۲). اما آیت الله خویی از فقهای شیعه بر این عقیده است که سقط نمودن جنینی که هنوز روح در وی دمیده نشده است، قتل به حساب نمی آید (۳۹).

- حرمت مطلق سقط جنین حائز روح و جواز مشروط سقط جنین فاقد روح:

عده ای از فقهای اهل سنت (۱۶، ۳۰) سقط نمودن جنینی که واجد روح شده است را حرام می دانند و گفته اند: "دلیل حرمت سقط جنینی که واجد روح است، در واقع مبارزه با نسل کشی است" (۲۲).

در واقع این نظریه تعدیل کننده نظریه قبلی است زیرا این نظریه برای جنینی که هنوز روح در او دمیده نشده است حقوق و احترام قائل است و با عنایت به ضوابطی سقط را جایز می داند. لذا در این نظریه سلب نمودن حق حیات جنین که روح در او دمیده نشده است، جایز نیست (۲۲). لازم به ذکر است جنینی که روح در وی دمیده نشده مانند یک انسان محترم است، مستند قرآنی دارد، زیرا خداوند در آیات متعددی "جنین" را از لحاظ پیدایش تا آخرین مراحل تکمیلش "انسان" نامیده است "لقد خلقناه الانسان من سلاله من طین" (مؤمنون، ۱۲)،

"بدأ خلق الانسان من طین": خداوند آفرینش انسان را از گل آغاز کرد (سجده، ۶). بنابراین این نظریه که جنینی فاقد روح انسان نیست، صحیح نمی باشد (۳۹).

در فقه اهل سنت در این زمینه دو دیدگاه مطرح شده است. اول این که سقط جنین پس از دمیده شدن روح حرام است (۳۰) و دوم این که سقط نمودن جنین قبل از دمیده شدن روح در وی اگر چه از دیدگاه شرع جایز نیست، اما با استناد به رأی و نظر پزشک مبنی بر مخاطره آمیز بودن ادامه بارداری برای مادر مجاز است (۳۰). آنها بر این عقیده اند که حکم اولیه سقط جنین در هر دو مرحله حرام است اما با استناد به دلایل زیر سقط جنین قبل از دمیده شدن روح مجاز است:

الف: هنگامی که جنین به دنبال عمل نامشروعی تشکیل شده باشد، خصوصاً زمانی که احتمال قتل مادر باشد (۱۰-۱۲، ۳۰).

ب: استناد به قواعد مطرح نفی عسر و حرج و لاضرر: در صورتی که ادامه بارداری برای مادر خطر جانی داشته باشد و یا این که اگر پس از تولد جنین، مادر یا جنین دچار نقص عضو شوند، مشروط به اینکه هنوز روح در جنین دمیده نشده، سقط نمودن وی اشکالی ندارد (۲۲، ۲۹).

ج: بناء عقلاء: اگر نتوانیم با استناد به دلایل قبلی حکم به جواز سقط جنین برای مادر در شرایط اضطراری صادر کنیم، از دیدگاه عقلاء حداقل می توان برای مادر در این شرایط حق انتخاب قائل شد که یا جان خود را حفظ نماید و جنین را بیندازد و یا این که جان خود را به خطر انداخته و جنین را به دنیا بیاورد (۳۶).

۳: جواز مشروط سقط جنین در هر مرحله از حیات وی: امام خمینی (ره) در جواب سؤالی با این مضمون که اگر مرگ حتمی جنین در رحم مشرف باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط جایز است؟ این گونه جواب داده اند: چون در فرض سؤال این امر بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادرش جریان دارد، بنابراین چاره ای جز این نیست که حداقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود و در فرض سؤال شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند. با توجه به اینکه کلام

امام در این فرض به صورت مطلق ارائه شده است لذا این فرض هم شامل جنینی می شود که فاقد روح است و هم شامل جنینی است که حائز روح شده است و سقط جنین در این فرض قطعاً جایز است (۱۵). ایشان همچنین می افزایند: اگر در صورت ادامه بارداری زندگی مادر و جنین هر دو را به خطر بیفتد و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد، در این صورت نجات جان مادر واجب تر است، اگر چه جنین واجد روح شده باشد (۱۵).

تعدادی از فقهای حنفی بر این عقیده اند در صورتی که ادامه بارداری برای مادر مضر باشد و تهدید کننده سلامتی و جان مادر باشد می توان چه قبل و بعد از دمیده شدن روح در جنین، مبادرت به سقط جنین کرد (۱۰-۱۲، ۳۰).

این نظریه در فقه شیعه با استناد به دلایل متعددی به شرح ذیل مورد موافقت قرار گرفته است:

الف- لزوم حفظ جان مادر: اکثر فقهای شیعه معتقدند به علت این که حیات بالفعل و اصیل مادر نسبت به حیات بالقوه جنین برتری دارد (۱۴) بنابراین لزوم حفظ جان مادر مجوزی است قطعی جهت سقط نمودن جنینی که ادامه زندگیش مخل زندگی مادر است و این مجوز شامل جنین فاقد و دارای روح می باشد، به علاوه جهت استدلال به جواز در مسئله حاضر می توان به ادله ای که با استناد به آنها جواز سقط جنین قبل از دمیده شدن روح اثبات گردید، استناد کرد زیرا آن ادله کلی و عام هستند و با کلیت و عمومیتشان شامل مسئله حاضر نیز می شوند (۳۰).

همچنین اگر جنین در شکم مادر بمیرد، سقط نمودن آن از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی موردی ندارد و برای جلوگیری از وارد شدن ضرر به مادر بیرون آوردن جنین مرده واجب است حتی در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد (۳۰). البته عکس این قضیه نیز صادق است و آن در صورتی است که مادر بمیرد و جنین داخل شکم او زنده باشد، شکافتن شکم مادر جهت بیرون آوردن جنین زنده مشکلی ندارد و به دلیل نجات انسان است (۳۰).

ب- استناد به قواعد نفی عسر و حرج، اضطراب و دلیل عقلی: با استناد به این قواعد می توان گفت در صورتی که ادامه بارداری برای مادر خطرناک باشد، سقط جنین در هر مرحله ای که باشد جایز است: الف- زندگی مادر فعلیت دارد و وجودش جهت استمرار بقای خانواده ضروری است اما زندگی جنین هنوز به مرحله فعلیت نرسیده است بنابراین بین زندگی مادر و جنین، زندگی مادر ترجیح دارد (۲۹). ب- جان مادر در مقایسه با جان جنین مهم تر است و از ارزش خاصی جهت حفظ بنیان خانواده برخوردار است و در صورتی که مادر اقدام به سقط نماید محکوم به قصاص نمی شود. فقهای اهل سنت معتقدند اگر چه در تعارض میان نجات جان مادر و جان جنین، به رغم تساوی ارزش انسانی آنان و از آنجا که به ناچار مرگ مادر و یا جنین گریز ناپذیر است، لذا عقل با ملاک قرار دادن پیامدهای عاطفی، اخلاقی و اجتماعی که مرگ مادر به دنبال خود می آورد، نجات جان مادر را ترجیح می دهد (۱۱، ۱۲). همچنین با استناد به قاعده اضطراب می توان معتقد به جواز سقط جنینی شد که از راه نامشروع (زنا) رشد یافته است زیرا مادر در شرایط ناچاری و ناگزیری قرار گرفته و نگران آبروی خویش است. لذا سقط در این شرایط تنها راه حل رفع ناچاری و ناگزیری است (۲۹).

ج- استناد به قاعده "الضرر یدفع بقدر الامکان": اگر با شیوه های علمی معتبر اثبات شود که بر طبق سنت الهی، جنین در شکم مادر طوری ناقص الخلقه است که زنده ماندن وی بعد از تولدش در آینده برای خود و والدینش موجب عذاب و مشکلاتی باشد، می توان اقدام به سقط جنین نمود و می توان با انتخابی درست و عاقلانه آثار و عوارض ناشی از ضرر را تا حد قابل قبولی کاهش داد. در مورد مسئله سقط جنین باید گفت چون حیات مادر مهم تر و ارزشمند تر است، لذا در شرایطی که حیات جنین تهدید کننده جان مادر است باید به سقط جنین اقدام نمود و جلوی ضرر بیشتر و مرگ مادر را گرفت. زیرا جنینی که با این اوصاف متولد شود علاوه بر این که باعث مرگ مادر می شود، زنده ماندن خودش نیز ضعیف است، بنابراین جان مادر را که در حال حاضر پابرجا و اقتضای دوام دارد با سقط جنین نجات داده می

شود. از سویی دیگر آموزه های دینی و اسلامی که به ما دستور حفظ نفس و روح خدایی می نمایند ما را مکلف به حفظ جان مادر می نمایند (۲۱).

د- دیدگاه علم پزشکی و قاعده تراحم^۱: از دیدگاه علم پزشکی در صورتی که ادامه بارداری تهدیدکننده جان مادر باشد و در نهایت به مرگ وی ختم شود، جنین به ندرت در این شرایط زنده می ماند. لذا عقلاء در این شرایط حفظ جان مادر را ارجح دانسته و اقدام به سقط جنین می کنند. فقها نیز در این شرایط با استناد به اینکه این دو حکم (واجب بودن حفظ حیات مادر و حرام بودن سقط جنین) برای یکدیگر مزاحمت ایجاد کرده اند ترجیح را بر حفظ جان مادر می دانند. همچنین در مواردی که ادامه بارداری باعث مرگ مادر می شود با توجه به این که در صورت مرگ مادر زنده ماندن جنین نیز بسیار ضعیف است، در اینجا نیز دو حکم مزاحم یکدیگرند، یکی واجب بودن حفظ مادر به عنوان اینکه وجود و جانش مهم تر و ارزشمند تر است و دیگری حرمت سقط جنین، در نهایت برای از بین بردن این مزاحمت باید به قاعده مزاحمت دو حکم و مسائل مربوط به آن استناد کرد که نتیجه آن ترجیح حکم مهم تر است که با این اوصاف نجات جان مادر بر حرمت سقط جنین ترجیح دارد (۶).

ممکن است جنین دارای اختلالات و ناهنجاری های ژنتیکی مانند جنین دو سر، عدم تشکیل استخوان جمجمه، میکروسفالی و آنانسفالی، ناهنجاری های حاد قلبی و کلیوی، تشکیل مغز خارج از جمجمه و غیره باشد. بدیهی است که از دیدگاه علم پزشکی این گونه ناهنجاری ها بعد از دمیده شدن روح در نوزاد یعنی در حدود شش ماهگی بوجود می آیند و با توجه به این که این جنین ها مدتی پس از تولد از بین می روند، بنابراین نگه داشتن جنینی که قطعاً قبل از تولد و یا بعد از تولد

خواهد مرد بی فایده است و چه بسا که برای مادر ادامه بارداری این جنین زیان بخش نیز باشد (۲۱).

ممکن است جنین به ناهنجاری هایی مبتلا شود که باعث مرگ جنین قبل و یا بعد از تولد شود. اما در صورت تولد، کودک زندگی نباتی و حیوانی خواهد داشت که هم برای والدین و هم برای دولت هزینه بر و حرج آور است. بنابراین با استناد به تجربیات پزشکان و قاعده عسر و حرج سقط این جنین ها جایز است (۲۱).

یکی دیگر از ناهنجاری های ژنتیکی که سقط جنین در آن مجاز است، بارداری مول یا خوشه ای شکل شدن بارداری است. در این وضعیت از نظر پزشکی بارداری هیچ وقت به جنین انسانی تبدیل نمی شود و سقط جنین در این شرایط به طور مطلق جایز است (۲۹).

ه- تجویز دفاع مادر از خود در مقابل هر نوع خطری: طبق نظر فقهای مذاهب اسلامی، اگر چه جنین در رحم مادر جزئی از وجود اوست، اما در مواردی که بارداری مرگ مادر را به همراه داشته باشد، سقط نمودن جنین توسط مادر کمترین عکس العمل و دفاع در برابر خطر محرز می باشد و این عکس العمل از دیدگاه فقه و علم پزشکی مجاز و مورد تأیید است (۲۱). اما عده ای (۲۲)، (۳۱) با استناد به آیات زیر، جایز بودن این دفاع را مورد خدشه قرار داده اند و این دفاع را نوعی قتل محسوب کرده اند: "و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق: به کشتن نفسی که خداوند قتل آنرا حرام کرده است اقدام نکنید مگر اینکه به حق باشد" (اسراء، ۳۳) و آیه "و من یقتل مومنًا متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعد له عذاباً عظیماً: هر کس انسان مؤمنی را از روی عمد بکشد، پاداش او دوزخ است و همیشه آنجا خواهد بود و خشم و لعنت خدا بر او باد و خداوند برای وی عذابی بزرگ فراهم کرده است." (نساء، ۹۳). با توجه به شمول و عمومیت این دو آیه می توان گفت اگر چه دو آیه مشمول جنین نیز می شوند اما مفهوم یقینی و قطعی آیه اول این است که شخصی، انسانی را از روی کینه، دشمنی و انگیزه های غیر انسانی و اخلاقی به قتل برساند. چه مقتول جنین باشد و چه نباشد. در آیه دوم نیز قتل با انگیزه های غیر اخلاقی و غیر انسانی ممنوع می شود. اما شامل بحث ما نمی شود، زیرا عاطفه مادری

^۱ - تراحم از لحاظ لغوی از کلمه زحمت مشتق شده است و در اصطلاح فقهی به معنای مزاحمت نمودن یک حکم با حکم دیگر است لذا در این شرایط برای رفع مزاحمت باید حکم مهم تر را ترجیح داد و فقط به آن عمل کرد، و حکم غیر مهم نادیده گرفته می شود.

مانعی محکم در برابر عداوت و انگیزه های غیر اخلاقی است و مادر، خودسرانه اقدام به نابودی جزئی از وجود خویش نمی کند مگر این که ضرورت ایجاب کند و حیات مادر در صورت ادامه بارداری به خطر بیفتد. در نهایت با دخالت حکم عقلی می توان گفت علاوه بر بد بودن مرگ جنین، اراده بشری باید دخالت کند و حداقل جان مادر یا جنین را که امتیازات بیشتر و زیان کمتری در پی دارد نجات دهد (۲۱).

نتیجه گیری

جنین موجودی است محترم و دارای حق حیات انسانی و نابودی آن بدون دلیل موجه، غیر اخلاقی و خلاف حقوق بشر است. بنابراین اگر سقط جنینی خودسرانه، بدون تجویز پزشک متخصص و بدون این که هدف عقلایی در پی داشته باشد، انجام پذیرد علاوه بر این که برای مادر خطرات جانی به همراه دارد، امری غیر انسانی و نوعی نسل کشی به شمار می رود.

سقط جنین در هر شرایط و در هر مرحله از حیات جنین بطور مطلق حرام نیست و در شرایطی جایز و حتی واجب می باشد. زیرا جان مادر ارزشمندتر است و نجات جان مادر نیز به منظور جلوگیری از ایجاد ضرر بیشتر است. عاقلانه است در شرایطی که ادامه حیات جنین در رحم مادر باعث به خطر افتادن جان مادر شود،

حکم به جواز سقط بدهیم و جان مادر را حفظ نماییم. همچنین در این شرایط با استناد به قاعده مزاحمت دو حکم (وجوب حفظ جان مادر و حرمت سقط جنین)، جهت دفع مزاحمت، ارجحیت با حفظ جان مادر است. موجودیت انسان از موقع استقرار نطفه در رحم شروع می شود و از بین بردن آن از بین بردن مرحله ای از انسانیت است که در مسیر فعلیت و ایجاد هویت قرار گرفته است. بنابراین نمی توان از بین بردن و سقط جنین انسانی را حتی پیش از رسیدن به هویت فعلی انسانی با از بین بردن یک ماده مستعد به حیات مطلق که حتی جانداران نیز دارا می باشند مقایسه نمود و تعیین دیه برای جنین از زمان استقرار در رحم دارای علت محکمی است که مطابق هیچ یک از قواعد عقلی و عرفی نمی باشد، لذا باید آنرا بدون چون و چرا پذیرفت.

مسئله ای که در اینجا حائز اهمیت است و به عنوان پیشنهاد ارائه می شود، این نکته است که اگر می خواهیم مسئله سقط جنین به صورت صحیح انجام گیرد و هیچ عذاب وجدانی برای والدین و پزشک معالج در پی نداشته باشد، باید سقط جنین به تأیید یک گروه از پزشکان حاذق و خبره این مسئله برسد تا همه جوانب انسانی و اخلاقی و پزشکی آن مد نظر قرار گیرد.

منابع

1. Hekmat S. Forensic medicine . Tehran ,Shahid Behshti university publication 1987; 27-28.
2. Akhoundi M. lectures penalty for Exclusive rights. Tehran. Imam Sadegh university publication 1994; 64.
3. Robson SC, Kelly T, Howel D, et al. Randomised preference trial of medical versus surgical termination of pregnancy less than 14 weeks gestation (TOPS). Health Technol Assess; 2009; 13: 1-124, iii-iv.
4. Mohseni MA. jurisprudence and medical issues , Beirut, Darolahya Altars Alsrabi publication 1999; 1:142.
5. Eshtiyaghi R. Embryos fetus's birth defects and abortion .Medical Sciences of Mashhad University;2001;125.
6. Khorasani Mk. Most perfect principles of jurisprudence, Tehran, Ofsat Publication 1982; 1: 383.
7. Majlesi MM. Somehow distracting Islam. Ghom Esmaeilian Publication, 1st Edition 1993; 1:645.
8. Heli AM. That includes unveils Maiden tighten. ghom, Islamic Publication institution 1990; 185.
9. Cunningham FG, Leveno KJ, Bloom SL, Hauth JC, Rouse DJ, Spong CY. Williams Obstetrics. 23rd ed. New York: McGraw-Hill; 2010.
10. Ebni Ghodame S. the great described. Beirut. Darolkotobelarabi Publication 1984; 4:802.
11. Ebne- Ghodameh A, activities in the juratory the enrichment uranium Making, Almenar Belghahereh Publication 1989; 4: 804
12. Hasfaki A. The Selected jewel. Beirut, Darahyaeltoras Alarabi publication, 7th edition 1994; 3:590.
13. Sheikh Sayyed S. Sonnie's jurisprudence. Ghom, Islamic advertizing Office, Ghom Seminary, Publication Center 1995; 2:195.
14. Tousi J. The Shiite's jurisprudence Explanation and explain, Beirut, Islamic Publication institution 1982; 5: 295.
15. Mousavi Khomeini S R. issues Explain, Ghom, The instructors of Ghom Seminary, 8th Edition 1993; 2: 839

16. Andolosi A. the selective jurisprudence. Beirut. Alvafa Institution Publication 1983;8:30.
17. Zohili DV. Islamic religious jurisprudence and its Reasons. dameshgh.darolfekr almoaser. publication 1st Edition 1983;3:558
18. Madkor MS. Fetus, the Provisions of belonging to the Islamic jurisprudence. Almenar Belghahereh Publication 1969;301.
19. Helli M. Religion of Islam and The rules of kosher and illegal - Tehranm Esteghlal Publication, 1st edition 1988;4:248.
20. Gudarzi MS. Forensic medicine. Tehran. mizan Publication 2004;593-595.
21. Ashrafi M. Medical ethics. Tabriz., Islamic Azad University Publication 1988;121.
22. Makarem Shirazi N. discussion and The analysis of the important juratory, Ghom, Imem Ali Ebne Abi taleb Publication, 1st edition 2001; 286.
23. Ghomi MM. Speeches and Statements about important issues new, Ghom, Islamic publication Institution, 1st Edition 1984; 70.
24. Zohili DV. The provisions of women in Islam school. dameshgh.darolfekr almoaser Publication 1st Edition 1983;3:119-121.
25. Kolini S. The provisions roots, Beirut- Dar altaarof Publication, 3rd Edition 1981; ۳:108.
26. Tousi J. Adorn Islamic rules and juratory, Ghom, Islamic Publication institution 1994;9: 379.
27. Tousi J. Seeking insight. Dar Al- Zahra Publication, Beirut, 1st Edition 1985;4:301.
28. Najafi S. Explaining The spiritual and brilliant description . Beirut , Darahyaeltoras Alarabi Publication, 7th edition 1981; 43: 696
29. Mohseni MA. Abortion within the Light of Islam, Beirut, Darolahya Altars Alsrabi Publication 1999; 1:286.
30. Ramli SS. End contentions and reasons. Beirut- Dar altaarof Publication, 3rd Edition 1872;8:418.
31. Tousi J. The study and analysis differences, Beirut, Darolahya Altars Alsrabi publication 1983;5: 296.
32. Zobidi MM. The crown bride. Beirut, Darahyaeltoras Alarabi publication, 7th edition 1990;10:386.
33. Ebne M. Arab language dictionary, Ghom, Adab Al-Hozeh Publication 1984; 7: 716.
34. Jafari SM. Letters and statements by juratory . Ghom, Islamic studies Institutions, 1st Edition 1998;249.
35. Ghortobi M. Since the Mamaqán economy in Jean MacKenzie reasons. Ghom, Islamic Publication institution 1984;12:6-9.
36. Hakim SM. "I'll Tear and good farseen, Mortavi book shop, Tehran, 3rd publication 1995;4:254.
37. Saduqh S. Behooveth jurisprudence to tight rope, Jahan Publication, Tehran Publication institution 1957;4:30.
38. Shahid S. Lomeh Described , Ghom, Islamic studies Institutions, 1st Edition 1989;2: 373.
39. Khoei SA. The principles of the strongest way route in science and jurisprudence , Najaf Ashraf, Matbate al Noman, - 28th Edition 1986;2: 49.

Archiv